

تأثیر اشعار برگزیده بر سبک تاریخ‌نگاری در دو کتاب تاریخ الجایتو و احیاءالملوک

سمیرا سام‌زاده، داریوش کاظمی*، محمد حجت

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

اردیبهشت ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۴، صص ۱۶۱-۱۷۸

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6843

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: استفاده از اشعار فارسی در تاریخ‌نگاری ایرانی، قدمتی هزارساله دارد. اغلب مورخان ایرانی، افرادی آشنا با فنون ادبی بوده‌اند و بکارگیری شعر در ضمن پرداختن به حوادث تاریخی و ثبت وقایع مربوط به پادشاهان و حکمرانان منطقه، بمنظور تلطیف کلام و یا اظهار دانش ادبی توسط تاریخ‌نویسان مرسوم بوده است. همچنین سرودن اشعار توسط خود مؤلف و استفاده از شعر شاعران دیگر با کارکردهای روایی، وصفی و اخلاقی و در مواردی ثبت ماده‌تاریخ، نیز در این بین به چشم می‌خورد. لذا در این پژوهش کارکرد اشعار بکاررفته در دو اثر تاریخی «تاریخ الجایتو» از دوره مغول و «احیاءالملوک» از دوره صفوی بررسی می‌شود تا سبک شخصی این نویسندگان و بسامد کارکردهای مذکور در آثار آنان کشف شود.

روش مطالعه: این جستار به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها: با بررسی هر دو اثر تاریخی مشخص شد در تاریخ الجایتو، ترجیح مورخ، استفاده از اشعار روایی با رویکردی مذهبی و قالب قطعه بوده است. در احیاءالملوک نیز ترجیح مورخ اشعار وصفی با رویکرد مذهبی و عرفانی است. نویسنده احیاءالملوک، قالب مثنوی را بر دیگر قالبهای شعری ترجیح داده است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش حاکی از آن است که کاشانی در انتخاب اشعار در بیشتر موارد، شباهت زمینه‌ای شعر منتخب را با حادثه یا رویداد اشاره‌شده در متن، مدنظر داشته است. این انتخاب، دلالت بر اشراف نویسنده بر ادبیات منظوم ایران دارد. مؤلف احیاءالملوک نیز با انتخاب اشعار شاعران سرزمین اجدادی خویش (سیستان) سعی در شناساندن و معرفی آنان داشته است. وجه اشتراک هر دو اثر، بسامد بالای استفاده از اشعار حکیم فردوسی توسی است که میتواند بیانگر علاقه مؤلفان به فضای حماسی شاهنامه و القای اشتراکات ممدوح موردنظر با قهرمانان شاهنامه باشد.

تاریخ دریافت: ۲۵ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۵ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۹ تیر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، تاریخ الجایتو، احیاءالملوک، کارکرد شعر.

* نویسنده مسئول:

d_kazemi@iauk.ac.ir

۳۱۲۲۲۴۰۰ (+۹۸ ۳۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The influence of selected poems on the style of historiography in the two books of Tarikh ol-Jaytu and Ehya al-Moluk

S. Samzadeh, D. Kazemi*, M. Hojjat

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 April 2022

Reviewed: 17 May 2022

Revised: 05 June 2022

Accepted: 20 July 2022

KEYWORDS

Stylistics, The history of al-Jayto, Ehya al-Moluk, The function of poetry.

*Corresponding Author

✉ d_kazemi@iauk.ac.ir

☎ (+98 34) 31322400

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The use of Persian poetry in Iranian historiography has a thousand-year history. Most Iranian historians have been familiar with literary techniques, and it has been customary for historians to use poetry while dealing with historical events and recording events related to the kings and rulers of the region, in order to embellish words or express literary knowledge. Also, writing poems by the author himself and using the poems of other poets with narrative, descriptive and moral functions and in some cases recording the material-history is also seen in this. Therefore, in this research, the function of the poems used in two historical works "Tarikh ol-Jaytu" from the Mughal period and "Ehya al-Moluk" from the Safavid period is investigated in order to discover the personal style of these authors and the frequency of the mentioned functions in their works.

METHODOLOGY: This research was done in a descriptive-analytical way using library studies.

FINDINGS: By examining both historical works, it was found that in the history of ol-Jayto, the historian's preference was to use narrative poems with a religious approach and fragment format. In Ehya al-Moluk, the historian prefers descriptive poems with a religious and mystical approach. The author of Ahya al-Muluk has preferred the Masnavi format over other poetic formats.

CONCLUSION: The results of this research indicate that in most cases, Kashani considered the contextual similarity of the selected poem with the incident or event mentioned in the text. This choice indicates the author's aristocracy on Iranian verse literature. The author of Ehya al-Maluk has also tried to introduce the poets of his ancestral land (Sistan) by choosing their poems. The common feature of both works is the high frequency of using Hakim Ferdowsi Tosi's poems, which can express the authors' interest in the epic atmosphere of the Shahnameh and the induction of the similarities between the desired Mamdoh and the heroes of the Shahnameh.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6843](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6843)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 0

مقدمه

وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی از زمان هخامنشیان در ایران رواج داشته است و در طی قرون و اعصار متمادی به شیوه‌های گوناگون گسترش یافته است. فن تاریخ‌نگاری، در عهد مغول بسبب توجه مغولان به زندگی اجداد و نیز تأکید بر ماندگاری نام خویش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در هیچ دوره‌ای از ادوار ادبی ایران، فن تاریخ‌نویسی تا این حد پیشرفت نکرده و آثاری به عظمت و اهمیت کتابهای دوره ایلخانان به وجود نیامده است. حادثه مغول و ظهور ایلخانان هرچند سبب اتلاف نفوس و ضایع شدن کتب و خراب گشتن مدارس و مساجد گشت، موجب ترویج نشر و ادب و فرهنگ ایران در بلاد مجاور و حتی نواحی دوردست‌تر گشت. علاقه به نگارش کتب تاریخی که بعد از حمله مغول شدت یافته بود تا عصر صفوی نیز ادامه یافت (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۵۹). شاید بتوان ادبیات را زبان دوم تاریخ نامید که با بلاغت و شیوایی هنری خویش، جذابیت خاصی به متن تاریخی داده است. ظهور و تکوین تاریخ‌نگاری فارسی پس از اسلام به میزان زیادی مدیون ادیبان یا دبیرانی بوده است که میتوان از آنها بعنوان دبیرِ مورخ یا ادیبِ مورخ یاد کرد. پس میتوان گفت یکی از علل بقای متون تاریخی داشتن جنبه ادبی آنها بوده است.

یکی از مهمترین سرچشمه‌های آگاهی مورخان، اشعار شاعران است. تقریباً در تمامی انواع شعر، میتوان مطالبی درمورد تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران یافت؛ در روزگاران گذشته، خصوصاً زمانی که ادبیات شفاهی رواج داشته، نقش شعر در جامعه پررنگتر بوده است. بگونه‌ای که میتوان گفت شعر بعنوان قویترین رسانه عمل کرده است. «تاریخ دقیق ورود شعر به نثر و امتزاج این دو شیوه بیان کلام، بروشنی مشخص نیست. امر واضح، تقدم تاریخی شعر بر نثر (نثر مکتوب) و حضور پرقدردان آن در مبانی اعتقادی و اندیشه کهن بشری، بویژه کتب دینی و اسطوره‌ای پیشینیان است» (ثمینی، ۱۳۷۹: ۱۶۴). «حضور شعر در نثر فارسی در دوران کمال نثر ساده تقریباً هم‌زمان با نیمه دوم قرن پنجم هجری و به تقلید از آثار عربی آغاز شد» (تمیم‌داری، ۱۳۷۹: ۱۲۵). همچنانکه صفا در اثر خود بیان کرده است: «استعمال شعر درضمن نثر از همین اوان [اواسط قرن پنجم هجری] میان نویسندگان رواج گرفت و این امر و سیله‌ای برای اطناب سخن و حسن تأثیر آن شد و تا دیرگاهی در نثر پارسی باقی ماند» (صفا، ۱۳۷۸: ۸۸۰). در کتب تاریخی ادوار مختلف، مورخان اشعار فراوانی را درج کرده‌اند که تعدادی متعلق به شعرای بنام، تعدادی گمنام و برخی از ذوق و قریحه شعری خودشان است.

در این پژوهش فرض بر این است که هرچند متن به قصد ثبت وقایع تاریخی نگاشته شده اما اهدافی چون خلق اثر ادبی منحصربفرد و مطابق با ویژگیهای موردپذیرش پادشاه وقت، موردنظر نگارنده بوده است. پارادایم آن زمان، مستلزم آن است که نویسنده، تاریخ را بگونه‌ای به رشته تحریر درآورد که پادشاهان دیندار و دین‌پناه شانه به شانه پهلوانان و شاهان حماسی جلوه نمایند. چیزی که تاریخ را به روایتی حماسی نزدیک میکند. امر واضح این است که یکی از مهمترین منابع مورداستفاده مورخان در تدوین و بازسازی رویدادهای تاریخی، اشعار شاعران است. در اشعار فراوانی میتوان مطالبی درمورد تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران یافت. با توجه به موضوع تاریخ که عموماً شرح جنگها، پیروزیها و رشادتهای شاهانه است، به نظر میرسد اشعار حماسی در متون تاریخی بیشترین نمود را داشته باشند. اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی کلامی برخی فرقه‌ها و نهضتهای سیاسی ایران در اشعار شاعران قابل جستجو است. برای نمونه نهضتهایی مانند شعوبیه که از شعر بعنوان مهمترین ابزار بیان اندیشه‌های خود استفاده میکردند و یا اندیشه‌های اسماعیلیان را میتوان در شعر شاعرانی مانند ناصر خسرو قبادیانی یا نزاری قهستانی دید.

اشعار کارکردهای مختلفی دارند. برخی اشعار بیان‌کننده عواطف و رفتار آدمی چون اندوه، سپاسگزاری، خشم، طلب بخشایش، و شادی هستند. «عاطفه یا احساس زمینه درونی و معنوی شعر است، به اعتبار کیفیت برخورد شاعر با جهان خارج و حوادث پیرامونش» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۸۷). بعضی اشعار در ادامه کلام بیان میشوند و با تأثیر موسیقایی بیشتر و آهنگینتر کردن متن به پیوستگی بیشتر نظم و نثر کمک میکنند. اشعاری دقیقاً معنی بیان شده در نثر را بازگو میکنند و در تأیید و تأکید و توضیح معنی گفته شده در نثر می‌آیند که این دسته اشعار معمولاً در گروه اشعار روایی — تاریخی قرار میگیرند. اشعاری هم بیشتر نقش شور بخشیدن به کلام را بر عهده دارند تا اینکه بعنوان منبع و سند به کار رفته باشند. همچنین مضمون سازی و نکته‌پردازی، لطیفترین و دل‌انگیزترین ویژگی شعر است که منبع و آفریننده آن تخیل شاعرانه و تعلیل هنرمندانه است که از قریحه توانا پدید می‌آید و لطف و گیرایی به شعر میبخشد و درحقیقت باعث ادبی کردن متن تاریخی میگردد. در این پژوهش فرض بر این مطلب گذاشته شده که مورخان اشعار را تنها از نظر خیال‌انگیز بودن و نفوذ بیشتر بر خواننده یا تجلی زیبایی، در آثار خود اقتباس نکرده‌اند. همچنین جایگاه مورخان در دربارهای پادشاهی و وضعیت زمانه آنها از نظر تاریخی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی در گزینش اشعار، مورد بررسی قرار گرفته است.

ضرورت و سابقه پژوهش

با جستارهای فراوان مشخص گردید که درمورد اشعار کتب منتخب این پژوهش، هیچ تحقیقی صورت نگرفته است؛ اما درخصوص تأثیرات و کارکردهای شعر در متون تاریخی دیگر، تحقیقاتی صورت گرفته که به ذکر تعدادی از آنها میپردازیم.

تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی کارکردهای شعر در تاریخ بیهقی و تاریخ فخری». نویسندگان در این مقاله اشعار را با کارکردهای روایی، استنادی - استدلالی، ادبی - آرایه‌ای و تفسیری تقسیم‌بندی کرده و بعد در دو متن به مقایسه آنها پرداخته‌اند. دلیل آوردن اشعاری با کارکرد روایی، نبود منبع مورد استناد از جانب تاریخ‌نویس بیان شده است (مسبوق و دلشاد، ۱۳۹۷).

کیفیت‌بخشی ادبی به *تاریخ جهانگشا* با گزینش آگاهانه ابیات شاهنامه که رویکرد بلاغی مورخ را به نمایش میگذارد، در مقاله‌ای با عنوان «نقش ابیات شاهنامه در انسجام متنی تاریخ جهانگشا» بیان شده است. در این مقاله شیوه‌های پیوند شعر با متن از سه جنبه دستوری، معنایی و ادبی بررسی شده‌اند (علوی و دیگران، ۱۳۸۹). درمورد نقش بسزای نظم در تکامل و غنای متون تاریخی در مقاله‌ای با عنوان «شواهد شعری در تاریخ مسعودی» بررسی‌هایی انجام شده است. در این مقاله اشعار عربی و فارسی، هر دو بررسی شده و بیشتر به مضامین برداشت‌شده از اشعار پرداخته شده است (بازورث، ۱۳۴۸).

بحث و بررسی

چپ‌ستی شعر: شعر را میتوان نوعی خلاقیت هنری دانست که بطور مرتب، در طول ادوار مختلف، چارچوبهای جدید پیدا میکند، مخاطب خاص خود را دارد و شاعران نیز آن را برای مخاطبان ویژه خود میسرایند. شعر از بدو پیدایش و نزد همه اقوام با وزن ملازمه داشته و دارد و هرگز در هیچ زبانی سخن ناموزون شعر خوانده نمیشود، با این تفاوت که اعتبار وزن همیشه و نزد همه ملل یکسان نیست. ابوعلی سینا میگوید: «شعر سخنی است خیال‌انگیز که از اقوالی موزون و متساوی ساخته شده باشد» (نقل از نائل خانلری، ۱۳۶۷: ۱۳). نظامی عروضی

در ابتدای مقاله دوم چهار مقاله می‌گوید: «شاعری صنعتی است که شاعر بدان صنعت، آتساق مقدمات موهمه کند و التئام قیاسات منتهجه، بر آن وجه که معنی خُرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خُرد، و نیکو را در خلعت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند و به ایهام، قوتهای غضبانی و شهوانی را برانگیزد تا بدان ایهام طباع را انقباضی و انبساطی بود و امور عظام را در نظام عالم سبب شود...» (چهارمقاله: ۲۶). زرین کوب می‌گوید: «کلام خواه موزون با شد خواه مقفی با شد و خواه بی‌قافیه، وقتی شعر خوانده می‌شود که گوینده در سرودن آن قصد آوردن وزن و قافیه - ساختن شعر - کرده با شد» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۴۵). در نظر شفیع کدکنی «شعر چیزی نیست جز منحرف شدن زبان از حالت ابتذال آن. من ابتذال را در اینجا به معنی لغوی آن بکار می‌برم یعنی در دسترس همه بودن» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۶۸). با توجه به این تعاریف میتوان شعر را در کارکردهای متفاوت و متنوعی بررسی کرد. در ادامه به مهمترین تقسیم‌بندی کارکردهای شعری اشاره شده است. اشعار با کارکرد روایی (تاریخی): اشعار روایی «وقایع تاریخی و سرگذشتها و قصه‌ها و حسب‌حاله‌ها را حکایت مینمایند» (بهار، ۱۳۵۶: ۱۲۵). مقصود از کارکرد تاریخی - روایی شعر، در متن تاریخی، حضور زمانی شعر در حادثه است. یعنی مورخ رویداد تاریخی را به کمک شعر بیان میکند. این دسته از اشعار معمولاً هماهنگی کامل با متن دارند.

اشعار با کارکرد وصفی: اغلب شاعران و نویسندگان بواسطه شعر و ابیات موزون، به وصف موقعیت و احوال خویش و حتی مفاهیم مورد توجهشان مبادرت می‌ورزند. تلاش این نویسندگان همچون نقاشان و هنرمندانی است که دست به خلق تصاویر ذهنی در روح مخاطب می‌زنند. وصف «یعنی نقاشی و تابلوسازی اعم از اینکه روحانی و پسیکولوژیک و یا جسمانی و طبیعی باشد مانند بیان حالات عشقیه، غضب، خوش‌وقتی، شکوه، رزم، بزم، شکار، تعریف و جاهت، وصف آسمان درخشان و شب تاریک و کوه و دریا و باغ و امثال آن» (همان، ص ۱۲۶). اشعار با کارکرد اخلاقی: اشعاری که موجب تحریک صفات عالیه و ملکات فاضله و حس بیزاری از رذایل می‌گردد (همانجا). ادبیات با اخلاق پیوندی دیرینه و عمیق دارد. شاعران و نویسندگان همه ملت‌ها، سروده‌ها و نوشته‌هایی دارند که در آنها، راه بهتر زیستن و خوشبختی و سعادت را نشان می‌دهند. «در اروپا، دوره بعد از رنسانس بر این عقیده بوده‌اند که شاعر یا نویسنده مسئولیتی اجتماعی دارد و نباید از تأثیر اخلاقی اثر خود غافل بماند» (گریس، ۱۳۶۷: ۳۹). از این رو بسیاری از شاعران و نویسندگان شعر را در خدمت مفاهیم و مضامین اخلاقی و اجتماعی به کار گرفته‌اند تا رسالت انسانی خویش را به انجام رسانند.

تاریخ الجایتو و مؤلف آن

«تاریخ اولجایتو»، اثر فارسی «عبدالله بن علی کاشانی»، یکی از بزرگترین منابع تاریخی دوره ایلخانی است که دربردارنده تاریخ چهارده‌ساله ایران از ۷۰۴ تا ۷۱۷ ق، بوده و در زمان سلطان اولجایتو، یکی از ایلخانان مغول نوشته شده است. «علاوه بر اهمیت تاریخی، یک نمونه ادبی از این عصر به شمار می‌رود. تاریخ کاشانی ساده و عاری از تکلفات و تصنع‌های ادبی است و بیشتر مانند روزنامه‌نگاری و وقایع نویسی است، اگرچه گاهی خالی از بعضی توصیفات ادبی و هنرنامه‌های قلمی نیست!» (تاریخ الجایتو، مقدمه: ۱۰). «جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد کاشانی»، مؤلف و مورخ معروف قرن هفتم و هشتم هجری است که تا قسمتی از اوایل قرن هشتم در قید حیات بود. وی برخاسته از خاندانی هنرمند بود که غالب اعضای آن در کاشیکاری ماهر و استاد بوده‌اند و خود جمال‌الدین هم بنابر آنچه از اثر او «عرائس الجواهر» (از ص ۳۳۸ به بعد نسخه چاپی) برمی آید درین فن

صاحب اطلاع بوده است، ولی با آنکه حتی برادرش «یوسف‌بن علی» هم این شغل را ادامه داده بود، عبدالله کارهای دیوانی و مشاغل ادبی و علمی را بر پیشه آبا و اجداد رجحان داد و به خدمت سلاطین ایلخانی درآمد، و از جمله منشیان متعددی بود که زیر دست «خواجه رشیدالدین فضل‌الله» وزیر، به کار تألیف و تدوین تاریخ اشتغال داشته است؛ با این حال بعد از آنکه خواجه در سال ۷۱۸ به قتل رسید کفران نعمت کرده و در مقدمه کتاب «تاریخ الجایتو»، که گویا برای گنج‌نیده شدن در کتاب «جامع‌التواریخ» مأموریت تهیه آن را داشته، مدعی شد که همه «جامع‌التواریخ» از دست و خواجه کار او را دزدیده است و به همین سبب هم با ایجاد تغییراتی در آن، کتاب تازه‌ای به نام «زبدۃ‌التواریخ» ترتیب داد.

از آثار ابوالقاسم کاشانی است: (۱) «زبدۃ‌التواریخ» مزبور که تنها یک نسخه از آن موجود است و وقایع مذکور در آن به سال ۷۰۰ هجری ختم می‌شود. (۲) «تاریخ الجایتو» که در سال ۷۱۸ یا قریب به آن تألیف شده است. (۳) «عرایس‌الجواهر و نفایس‌الاطایب» که تألیفی است درباره شناخت احجار و املاح و خوشبویه‌ها که مؤلف آن را به سال ۷۰۰ حلیه تألیف بخشید (صفا، ۱۳۷۸، جلد ۳ بخش ۲: ۱۲۳۱).

انواع شعر و کارکرد آنها در کتاب «تاریخ الجایتو»

مؤلف کتاب تاریخ الجایتو در ضمن پرداختن به مباحث تاریخی و وقایع اجتماعی از اشعار فراوانی بهره برده است. اشعاری با کارکردهای تاریخی، اجتماعی، روایی و وصفی و در مواردی اشعاری با کارکردهای اخلاقی و انسانی. در ذیل این عبارت، برخی شواهد شعری که در متن کتاب موجود است، استخراج شده است. این شواهد هم‌مسو با متن کتاب به کار گرفته شده‌اند.

موضوع: تقدیم کتاب از سوی نویسنده به شاه.

اشاره: «اما حال بضاعت مزجاء بندگان بر مثال ماه است که از مقابله با آفتاب اقتباس نور معانی میکند، یا مانند سحاب که آب از دریا بردارد و هم با دریا باز، یا باغبان که از باغ خداوند نوباوه‌ای آورد یا شماجه‌ای به طرفه پیش خداوندان بستان.»

شاهها بر تو به تحفه صد جان بردن	کمتر بود از زیره به کرمان بردن
لکن دانی که رسم موران باشد	پای ملخی نزد سلیمان بردن

(تاریخ الجایتو: ۶)

شاعر: نجم‌الدین رازی / مرصادالعباد قرن: ششم و هفتم قالب شعری: رباعی
کاربرد این شعر به بهانه تقدیم کتاب به الجایتو، از شیوه‌های مرسوم شاعران و نویسندگان بوده است. مؤلف کتاب، تحفه خویش را کمتر از پای ملخ میدانند. در این شرایط جایگاه معبود و ممدوح محترم دانسته شده و زیبایی عمل مؤلف افزون‌تر به نظر میرسد.

موضوع: در بیان اشتیاق دیدن برادر (دیدار الجایتو سلطان از غازان خان که در خراسان بیمار بود).

اشاره: «با خور قوی و استرخاء اعضا و وجع امعا و احشا عزیمت دیار خراسان جزم کرد تا مگر دیده را به لقاء غره میمون و مشاهده طلعت همایون برادر عزیز روشن کند.»

که ما را دل و جان پر از مهر اوست	همه آرزو دیدن چهر اوست (۱۱)
----------------------------------	-----------------------------

شاعر: فردوسی / داستان منوچهر قرن: چهارم و پنجم قالب شعری: مثنوی

توضیح: کاشانی در انتخاب این بیت از داستان منوچهر، تشنگی دیدار الجایتو به برادرش غازان خان را مانند اشتیاق دیدار زال به رودابه می‌داند. یکی از زیباییهای انتخاب اشعار توسط مؤلف تاریخ الجایتو تنها سبب زمینه‌ای موقعیت تاریخی و اجتماعی متن با شعر انتخابی است.

موضوع: در بیان طلب بخشش «امیر ایسن قوتلوق» از «الجایتو».

اشاره: «چون نظر مبارک پادشاه گناه‌بخش بر ایشان افتاد کیفیت احوال پرسید. امیر ایسن قوتلوق عرضه داشت که نو پادشاه است که به پای خود سوی سیاستگاه مجرمان و مصارع اجل آمده است و بر رای جهان‌آرای عرض می‌دارد و می‌گوید:

باز آمده‌ام چو خونیان از در تو اینک سر و تیغ هرچه خواهی می‌کن (۶۵)

شاعر: نجم رازی قرن: هفتم قالب شعری: قطعه

در ادامه آمده است: «که چون رایت دولت پادشاه درفشان دیدم گفتم: با پادشاهی که به تأیید دولت الهی مؤید باشد کاویدن و ستهیدن از فرط نحوست و شقاوت بود.»

اگر جرمیست اینک تیغ و گردن ز تو کشتن ز من تسلیم کردن (۶۵)

شاعر: نظامی قرن: ششم قالب شعری: مثنوی

توضیح: دلیل حضور این بیت از نظامی در این بخش از تاریخ الجایتو، شباهت احوال امیر ایسن با خسرو در نظامی است که برای شفاعت و طلب بخشش از پدر، کفن می‌پوشد و تیغ تیز به همراه می‌برد که یا بخشیده شود یا به دست پدر کشته شود.

موضوع: در بیان تولد «الجایتو».

اشاره: «چون زمره حاضران خاصیت یمن قدوم شاهزاده مشاهده کردند، استعجاب و شگفتی نمودند و زبان به دعا و ثنای قدوم مبارک شهزاده بگشودند.»

جهان را به باران بایستگی روان را به دانش بشایستگی (۱۷)

تصحیح شده:

جهان را چو باران به بایستگی روان را چو دانش به شایستگی

شاعر: فردوسی / داستان ضحاک قرن: چهارم و پنجم قالب شعری: مثنوی

مورد وصف: فریدون (پادشاه پیشدادی)

توضیح: کاشانی متولد شدن الجایتو را با تولد فریدون که آغازگر قیام علیه ضحاکیان است، شبیه دانسته است. از نظر نویسنده تاریخ الجایتو، الجایتو نیز همچون فریدون آمده است تا جهان را پر از عدالت و دادگستری کند.

موضوع: در بیان خبر دادن «خواجه رشیدالدوله» به پادشاه درباره قضیه «علاءالدین».

اشاره: «عمادالدین گفت: ای پسر، هم اکنون رو و این قضیه به خواجه رشیدالدوله باز نمای. هر دو برفتند و صورت ماجری کماجرای بر مته‌ها با او تقریر کردند و او در حال و ساعت بر رای پادشاه عرض داشت.»

ندارد کسی راز مردم نهان همان به که پاکیزه داری روان

که در دل سنگ خارا شود نماند نهان آشکارا شود (۱۲۶)

اشعار مشابه:

اگر بد دل سنگ خارا شود نماند نهان آشکارا شود (فردوسی / پادشاهی کسری انوشیروان)

بخاری که در سنگ خارا شود سرانجام کار آشکارا شود (نظامی / خردنامه)

شاعر: ناشناس قرن: مشخص نیست قالب شعری: مثنوی
مضمون اخلاقی: رازداری

توضیح: تسلط و تبحر کاشانی مؤلف تاریخ الجایتو، با توجه به انتخاب مناسب اشعاری که در موقعیتهای مشابه سروده شده‌اند، جالب توجه است. در داستان پادشاهی انوشیروان، بر ملا شدن راز زروان، در نهایت سر او را به باد داد. کاشانی با درک موقعیتهای مشابه و هماهنگ، به انتخاب اشعار متناسب دست زده است.

موضوع: بازگشت الجایتو سلطان از خراسان به تختگاه دولت.

اشاره: «نسیم صبح سعادت از مهبط دولت به حکم «انی لاجد نفس الرحمن من قبل الیمن» از سمت خراسان که یمن یمن دارد، بر مهب شمال افضال و مصب زلال اجلال در هبوب آمد و بر کافه خاص و عام باران گشت و خداوندا به گوش مرد و زن میرسانید.»

ای بسا بیخ که از چین و ختن کنده شود تا چو تو مهرگیایی ز خراسان آرند (۲۳)

شاعر: سنایی قرن: ششم قالب شعری: قصیده

توضیح: قطعاً دلیل انتخاب این بیت سنایی، ذکر نام «خراسان» در مصرع دوم است که میتواند یادآور سفر خراسان الجایتو باشد.

موضوع: توصیف صحنه نبرد.

اشاره: «کوس چون رعد بهار در غریدن آمد و کهورکای چون برق در تریکیدن و بهادران در حرب و نبرد آمدند و دلاوران در طرد و نورد.»

تو گفתי هوا کوه آهن شدست همان پوششش چرخ جوشن شدست (۲۱۵)

شاعر: فردوسی / جنگ کیخسرو و افراسیاب قرن: چهارم و پنجم قالب شعری: مثنوی

مورد وصف: صحنه نبرد دو لشکر کیخسرو و افراسیاب

توضیح: مؤلف کتاب، نبرد الجایتو با غارتگران و معارضان را با صحنه‌ای مشابه در شاهنامه فردوسی که نبرد بین کیخسرو و افراسیاب است، یکی دانسته است.

در ذیل به موارد متعدد اشعار و همچنین نوع کارکرد آنها و میزان بکارگیری قالبهای شعری در سه جدول اشاره شده است:

جدول (۱): اسامی شعرا براساس بیشترین آمار شعری استفاده شده در کتاب «تاریخ الجایتو»

ردیف	اسامی	قرن	موارد
۱	مؤلف (کاشانی)	۸	متعدد
۲	فردوسی	۵ و ۴	۹ بار
۳	سعدی	۷	۵ بار
۴	ظهیر قاریابی	۶	۵ بار
۵	سنایی	۵ و ۶	۴ بار

۶	نجم‌الدین رازی	۷۰۶	۲ بار
۷	نصرالله منشی	۶	۲ بار
۸	نظامی	۶	۲ بار
۹	الجایتو	۸۰۷	۱ بار
۱۰	امیر معزی	۶	۱ بار
۱۱	جمال‌الدین ترکه	۸	۱ بار
۱۲	رشیدالدوله	۸	۱ بار
۱۳	نظام‌الملک	۵	۱ بار

جدول (۲): قالبهای شعری مشخص شده در کتاب «تاریخ الجایتو»

ردیف	قالب شعری	موارد
۱	قطعه	۳۰ مورد
۲	مثنوی	۲۱ مورد
۳	رباعی	۲۰ مورد
۴	قصیده	۱۳ مورد
۵	غزل	۱ مورد

جدول (۳): آمار انواع شعر در کتاب «تاریخ الجایتو»

ردیف	انواع شعر	موارد
۱	روایی	۴۰ مورد
۲	اخلاقی	۳۳ مورد
۳	وصفی	۳۳ مورد

«احیاءالملوک» و مؤلف آن

کتاب احیاءالملوک یا تاریخ سیستانی توسط «ملک شاه‌حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن ملک محمود سیستانی»، از شاهزادگان سیستان تألیف و تصنیف شده است. نامبرده این کتاب را در سال ۱۰۲۷ هجری قمری یعنی در دوران سلطنت «شاه عباس اول» (۹۸۹-۱۰۳۸) تمام کرد و آن را به نام «احیاءالملوک» خواند (احیاءالملوک: ۱۵). در این کتاب گذشته از نام ملوک و میران، از میرزایان، نقیبان، یاران، پاداران، منشیان،

کتابداران، تیرگران، رئیس‌سان، سرخیلان، سادات، حقه‌بازان، خیال‌بازان، شاهنامه‌خوانان، شبگردان، طاس‌بازان، قصه‌خوانان، کلانتران، کشتی‌گیران، لولیان، معرکه‌آریان و مستخدمان و خدمتگزاران که به لقب قدیمی یا اعتمادی ملقب شده‌اند، ذکری به میان آمده است (همان، ۲۲).

مؤلف کتاب -ملک شاه حسین- از شاهزادگان سیستان و از بازماندگان «عمروبن لیث صفاری» است. رشته نسب پدری او چنانکه خود در کتاب احیاءالملوک آورده است به شاهان صفاری می‌رسد (همان، مقدمه: ۲۵). مؤلف کتاب از کودکی در محضر برخی بزرگان به قرائت قرآن و فراگیری مقدمات مربوط به آیات و احادیث پرداخت. او به شاگردی «مولانا عبدالمؤمن صلحی» درآمد. پس از مدتی نزد برادر عبدالمؤمن، یعنی «مولانا عبدالعزیز» کسب علم نمود. مسائل نماز و واجبات را نزد «شیخ کلب‌علی جزایری» از عرفای معروف آن دوره گذراند. وی همچنین دارای استعداد و قریحه شعری بوده، چنانچه در کتاب آمده: «سید اجل مدقق محقق، «امیر ضیاءالدین محمد سید طباطبائی زواره‌ای»، پرتو التفات بر سیستان انداخت و «ملک شاه حسین» مدت هزار روز نزد او صرف و نحو و منطق خواند و با «مولانا دوست محمد فتوحی» که شاگرد «مولانا عبداللطیف» پدر «مولانا عبدالمؤمن صلحی» بود، شریک درس و بحث شد و نزد او مشق خط می‌کرد. «مولانا فتوحی» که خود طبع شعر داشت، «ملک شاه حسین» را به گفتن اشعار تشویق و ترغیب می‌کرد.

«ملک شاه حسین» به آنچه خوانده بود، قناعت نکرد و دامنه مطالعات خود را وسعت داد و به حکمت و فلاسفه پرداخت. رسائلی درباره غرض از وضع فلسفه و ترتیب آن و اثبات محرک اولی و رساله‌ای درباره نفس و اتحاد عاقل و معقول از «ابو سلیمان سجزی» مطالعه کرد. از «کتاب مجسطی» نسخه‌ای به خط «خواجه نصیرالدین محمد طوسی» در دست داشته و آن را مطالعه کرده است. گذشته از زبان فارسی و عربی، به زبان پهلوی نیز آشنایی داشته است. «ملک شاه حسین» کار مطالعه و مذاقه در ادب فارسی را به جایی رسانیده که به مقابله دیوان «انوری» که یکی از مشکلترین متون نظم فارسی است مشغول بوده است. نامبرده پس از تسلط به علوم و فنون زمان خود، به کار تألیف و تصنیف پرداخته و آثاری منثور و منظوم از خود به یادگار گذاشته است (همان، ۲۷). «ملک شاه حسین» از علوم زمان خود بی‌بهره نبود و در میدان ادب نیز تا آنجا که دستش رسیده، کاری کرده و تا جایی که حوصله امیرزاده‌ای گنجایی داشته، کسب دانش و فضیلت کرده است. بیش از اقران و همسران خود سفر کرده و این سفرها و دیدوبازدید از بزرگان و رجال و اهل علم و شعرای زمان، او را مردی پخته و جهان‌دیده کرده است. بی‌شک کسی که با سلاطین ترکستان و حکام و امرا و وزرا و مستوفیان ایران معاشر بود و با ترک و تازی و جغتای و ازبک و غوز و بلوچ و سایر طوایف و طبقات نشست و برخاست داشت نمیتواند فردی عادی و معمولی باشد (همان، ۳۸).

انواع شعر و کارکرد آن در کتاب احیاءالملوک

مؤلف کتاب نیز همانند کاشانی مؤلف کتاب تاریخ الجایتو، به کارکرد شعر درضمن پرداختن به مباحث تاریخی نظر داشته است. در ذیل به نمونه‌هایی از این کتاب اشاره شده است.

موضوع: درباره نیمروز (سیستان).

اشاره: «حجت‌الاسلام محمد احمد غزالی در قصیده معروفی نام و نشان نیمروز را بیان می‌کند.»

چون چتر سنجری رخ بختم سیاه باد	با فقر اگر بود هوس ملک سنجرم
تا یافت جان من هوس ملک نیمشب	صد ملک نیمروز به یک جو نمیخرم (۱۷)

شاعر: محمد غزالی قرن: پنجم و ششم قالب شعری: قصیده
توضیح: از آنجاکه «ملک محمود سیستانی»، مؤلف کتاب، به زادگاه خویش علاقه‌ای وافر داشته، سعی در معرفی سرزمین سیستان و ادیبان و شاعران آن مرزوبوم داشته است. او به بهانه‌های متفاوت نام «تیمروز» را که معرف سرزمین اجدادیش می‌باشد، به کار برده است.

موضوع: در باب فتوحات «ملک شمس‌الدین بهرامشاه».

اشاره: «ابونصر فراهی قصیده‌ای در باب ملاحده و فتوحات که دست داده انشا نموده این بیت از آن قصیده است:

شه نیمروزی و در روز ملت خجسته هنوز اول بامداد است (۷۵)

شاعر: ابونصر فراهی قرن: هفتم قالب شعری: قصیده
مورد وصف: «ملک شمس‌الدین بهرامشاه».

موضوع: پاسخ «رستم» به «سهراب» براساس داستان مذکور در «شاهنامه حکیم فردوسی».

اشاره: «سهراب آهی کشید و گفت پدرم رستم خون مرا از تو خواهد خواست. چون رستم این سخن استماع نمود، به آه سرد و دل پردرد این بگفت:

که رستم منم کم مماناد نام نشیناد بر ماتمم زال سام (۲۹)

تصحیح شده: نشیناد بر ماتمم پور سام

شاعر: فردوسی قرن: چهارم و پنجم قالب شعری: مثنوی
توضیح: علاقه سیستانی به فردوسی و شاهنامه در متن احیاءالملوک پیداست. آمیختن مفاهیم تاریخی سرزمین سیستان با ابیات شاهنامه مؤید این معنی است.

موضوع: بیان نبرد «رستم» و «اشکبوس».

اشاره: «بالاخره رستم از سیستان در رسید و از اول پیاده به جنگ اشکبوس رفته او را به زخم تیر به خاک هلاک انداخت چنانچه فردوسی میگوید که:

برآورد یک تیر دیگر چو آب نهاده بر آن چار پرّ عقاب
بمالید چاچی کمان را به دست به شاخ گوزن اندر آورد شست (۳۸)

شاعر: فردوسی / شاهنامه قرن: چهارم و پنجم قالب شعری: مثنوی
همانطور که از نام کتاب پیداست، مؤلف در پی احیاء نام ملوک سیستان بوده است. استفاده از ابیات شاهنامه به این دلیل که شرح دلاوری رستم بعنوان یک پهلوان اهل سیستان مورد اهمیت بوده، از ابتدا تا انتهای کتاب به چشم می‌خورد.

موضوع: پاسخ «رستم» به «اسفندیار» براساس داستان آن در شاهنامه.

اشاره: «اسفندیار قرار بستن بازوی رستم به خود داده بود و بنوعی دیگر راضی نمیشد. چنانچه رستم آشفته شد و گفت:

که گفتت برو دست رستم ببند نبندد مرا دست چرخ بلند (۳۹)

شاعر: فردوسی / شاهنامه قرن: چهارم و پنجم قالب شعری: مثنوی
موضوع: در بیان جنگ بین لشکر اسلام و کفار هند.

اشاره: «لشکر اسلام از غنایم قوت گرفت و کفار ضعیف شدند الحمدلله علی توفیقه.»

آتش هیبت او دود برانگیخت ز هند
تصحیح شده: آتش هیبت تو دود برانگیخت ز هند
هندوان را رخ از آن دود سیه گشت چو قیر (۷۱)

شاعر: امیر معزی
قرن: پنجم و ششم
قالب شعری: قصیده

امیر معزی نیز یکی از شاعران دوران سلجوقی و همچنین از شاعران ولایت سیستان است. مؤلف کتاب به بهانه شعری از امیر معزی در پی معرفی خواجه نظام‌الملک طوسی است، وزیری که دوران حکومت سلجوقیان به برکت حضورش، دورانی درخشان از حیث تأسیس مدارس علمی و کتابخانه‌ها محسوب می‌شود. در قصیده‌ای که امیر معزی سروده است در کنار نام خواجه نظام‌الملک از آلبارسلان و پسرش ملک‌شاه نیز نام برده است. این قصیده ۵۷ بیت دارد که نام برخی قریه‌های ولایت سیستان مانند نوغان و طوس نیز در آن ذکر شده است.

موضوع: در ستایش و وصف خداوند.

اشاره: «سپاس خداوندی است که نوع انسان را در ظاهر به خلعت «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» مخلص فرموده.»

جهان را بلندی و پستی تویی
ندانم چهای هرچه هستی تویی (۱)

شاعر: فردوسی
قرن: چهارم و پنجم
قالب شعری: مثنوی

مورد وصف: وزیر

موضوع: آوردن نمونه شعر.

اشاره: «چند بیت از مثنوی که در تعریف مهناز دختر پادشاه کشمیر گفته سمت ارقام میابد، حالت او در مرتبه سخن ازین ابیات معلوم میشود.»

تافتة از دو زلف او سنبیل
خجل از روی چون بهارش گل

از لب لعل او خرد بدمست
دیده از رویش آفتاب‌پرست

تنش از نازکی ز بار نظر
کسوت خون کشد چو لاله به سر (۸)

شاعر: ابوالفرج رونی
قرن: پنجم و ششم
قالب شعری: مثنوی

مورد وصف: دختر پادشاه کشمیر

موضوع: آوردن نمونه شعر.

اشاره: «این بیت از واردات طبع آن حکیم لازم‌التعظیم است:»

می ماه شد از لبش فروشد
خورشید شد از رخس برآمد (۹)

شاعر: منجیک سیستانی
قرن: چهارم
قالب شعری: ؟

مورد وصف: خوبان

هر دو نمونه ابیات بالا از ابوالفرج رونی و منجیک سیستانی از شاعرانی انتخاب شده است که اهل ولایت سیستان بوده‌اند. مؤلف احیاءالملوک با انتخاب عامدانه خویش، علاوه بر معرفی حکام نامدار سیستان، از شعر شاعران همان ولایت نیز بعنوان شواهد مثالی استفاده کرده است.

موضوع: در بیان ویرانیهای شاهزاده در سیستان و اوق.

اشاره: «هنوز آثار آن در اوق و سیستان باقیست و از این ممر پشت شهر نامزروع شد و بادهای ریگ را به حوالی

شهر آورد و از هرجانب دزدان و مفسدان راه یافتند.»

ستیزه به جایی رساند سخن که ویران کند خاندان کهن (۹۸)

شاعر: سعدی قرن: هفتم قالب شعری: ؟

توضیح: در لغتنامه دهخدا این شعر منسوب به سعدی است. البته در شمار مثل‌های فردوسی نیز آمده است.

مضمون اخلاقی: پرهیز از ستیزه و جنگ

از نکات دیگری که از متن احیاء الملوك میتوان دریافت کرد، پرداختن به بعد جغرافیایی سیستان است. مؤلف کتاب با آوردن نام سیستان و توابع آن و توضیحات مکرر، تصویری از سرزمین اجدادی خویش میدهد.

موضوع: در بیان کشته شدن «میرزا ابابکر».

اشاره: «میرزا ابابکر از سیستان متوجه کرمان شد، تصورش آنکه از این ورطه نجات یافت، قاصد اجل سر در پی او داشت در قصبه بم کشته شد.»

از مرگ حذر کردن دو روز روا نیست روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست

روزی که قضا باشد کوشش ندهد سود روزی که قضا نیست درو مرگ روا نیست (۱۱۲)

شاعر: بندار رازی قرن: چهارم قالب شعری: رباعی

مضمون اخلاقی: قضاووری

موضوع: در بیان اوضاع و احوال مناسب در زمان «ملک معظم».

اشاره: «تا امروز که یک قرن باشد روز بروز اسباب دولت و جمعیت خاطر در تزاید و آرزوهای دلش در ترقی است و تا خواهش پروردگار بوده باشد چنین خواهد بود.»

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (۴۵۷)

شاعر: سعدی / گلستان / دیباجة قرن: هفتم قالب شعری: قطعه

مضمون اخلاقی: عدم غفلت

موضوع: در بیان تلاش برای رسیدن به هدف.

اشاره: «مراد اگر در کام نهنگ قعر دریاست، مرا در جستجوی چه چاره و مطلب اگر در جیب خورشید است مرا در چنگ به گریبان آوردن چه محل استخاره؟»

سروری گر به کام شیر درست رو طلب کن ز کام شیر برآر (۵۰۱)

تصحیح شده:

مهتری گر به کام شیر درست شو خطر کن ز کام شیر بجوی

شاعر: حنظله بادغیسی قرن: سوم قالب شعری: قطعه

مضمون اخلاقی: تلاش

جدول (۴-۱۶): اسامی شعرا براساس بیشترین آمار شعری استفاده‌شده در کتاب «احیاءالملوک»

ردیف	اسامی	قرن	موارد
۱	سیستانی	۱۱ و ۱۰	متعدد
۲	فردوسی	۵ و ۴	۹ بار
۳	نظامی	۶	۷ بار
۴	سعدی	۷	۵ بار
۵	حافظ شیرازی	۸	۴ بار
۶	مولوی	۷	۳ بار
۷	ابوالفرج رونی	۵ و ۶	۲ بار
۸	ابونصر فراهی	۷	۲ بار
۹	اثیر اخسیکتی	۱۰	۲ بار
۱۰	بندار رازی	۵ و ۴	۲ بار
۱۱	شیخ بهایی	۱۰	۲ بار
۱۲	فرخی سیستانی	۵ و ۴	۲ بار
۱۳	ابوسعید ابوالخیر	۵ و ۴	۱ بار
۱۴	ازرقی هروی	۵	۱ بار
۱۵	اسدی توسی	۵	۱ بار
۱۶	اسکندربیک منشی	۱۱	۱ بار
۱۷	امیر معزی	۵ و ۶	۱ بار
۱۸	جامی	۹	۱ بار
۱۹	حاجی مولوی	۱۰	۱ بار
۲۰	حنظله بادغیسی	۳	۱ بار
۲۱	رستم میرزا	۱۱	۱ بار
۲۲	رشیدالدین وطواط	۵ و ۶	۱ بار
۲۳	رودکی	۳ و ۴	۱ بار
۲۴	سنایی	۵ و ۶	۱ بار
۲۵	عبدالله هاتفی	۹ و ۱۰	۱ بار
۲۶	عطار	۶ و ۷	۱ بار
۲۷	قاضی احمد لاغر	۱۰	۱ بار
۲۸	قاضی جلال	۱۱	۱ بار
۲۹	قاضی کریم‌الدین	۱۰	۱ بار
۳۰	محمد احمد غزالی	۵ و ۶	۱ بار
۳۱	ملک علی	۱۱	۱ بار

۳۲	ملک محمد کیانی	۱۰	۱ بار
۳۳	ملک محمودی	۱۰	۱ بار
۳۴	منجیک سیستانی	۴	۱ بار
۳۵	مولانا عاشقی	۱۰	۱ بار
۳۶	مولانا عبدالمؤمن صلحی	۱۰	۱ بار
۳۷	مولانا قاسمی	۱۰	۱ بار
۳۸	مولانا محنتی	۱۰	۱ بار
۳۹	مولوی	۱۱	۱ بار
۴۰	میر حاجی محمد ولایی	۱۰	۱ بار
۴۱	میر حیدر حجابی	۱۰	۱ بار
۴۲	میر سراج	۱۰	۱ بار
۴۳	میر علی هروی	۱۰	۱ بار
۴۴	میر محمد صالح سالکی	۱۰	۱ بار
۴۵	نواب میرزا	۱۱	۱ بار
۴۶	وحشی بافقی	۱۰	۱ بار
۴۷	عرفی شیرازی	۱۰	۱ بار
۴۸	حسن غزنوی	۱۰	۱ بار

جدول (۴-۱۷): قالب‌های شعری مشخص شده در کتاب «احیاءالملوک»

ردیف	قالب شعری	موارد
۱	مثنوی	۳۳ مورد
۲	غزل	۱۵ مورد
۳	رباعی	۱۲ مورد
۴	قصیده	۱۰ مورد
۵	قطعه	۹ مورد
۶	مفردات	۱ مورد

جدول (۴-۱۸): آمار انواع شعر در کتاب «احیاءالملوک»

ردیف	انواع شعر	موارد
۱	وصفی	۶۴ مورد
۲	اخلاقی	۲۸ مورد
۳	روایی	۲۳ مورد

نتیجه‌گیری

عبدالله کاشانی، مؤلف تاریخ الجایتو از منشیان دربار سلاطین ایلخانی بوده است. وی تحت نظارت خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به سمت منشی دربار درآمد. مهارت وی در بکارگیری اشعار انتخابی در ضمن متن تاریخ الجایتو قابل‌اعتناست. اغلب ابیات متنا سب با شرایط روزگار مؤلف‌گزینش شده است. تنا سب بین دلیل سرودن برخی اشعار با موقعیت مطرح‌شده در متن، حاکی از تسلط او بر داستانها و سروده‌های منظومی است که از آنها بهره برده است. با توجه به سمت وی بعنوان کاتب و تاریخنگار دربار، کتاب تاریخ الجایتو از مستندات تاریخی معتبری برخوردار است. مضامین بکاررفته در شواهد شعری کتاب شامل مرگ‌باوری، شجاعت، زوال‌پذیری دنیا، مکافات عمل و رازداری است که نشان‌دهنده باورهای دینی و انسانی نویسنده است. سیستمی مؤلف احياءالملوک نیز از شاهزادگان تعلیم‌دیده درباری است که در زمینه‌های ادبی صاحب نام بوده است. سیستمی فردی علاقه‌مند به هویت دینی، فرهنگی و بومی خویش است. او به بهانه تاریخنگاری، از علما و اندیشمندان و ادیبان سرزمین اجدادی خویش نام برده است. بکار بردن اسامی قریه‌ها و مناطق جغرافیایی سیستان، کوه‌ها، رودها و اماکن تاریخی، از ویژگیهای متن احياءالملوک است. استفاده از شعر شاعران سیستان بخصوص فردوسی طوسی و امیر معزی در لابلای متن چشمگیر است. مؤلف از بستر تاریخنگاری به شرح مظلومیت مردم سیستان پرداخته است. او اذعان میدارد مردم این خطه با وجود آسیب‌دیدگیهای متعدد، فقر اقتصادی، حملات و حمله‌های سرزمینها و حکومت‌های مجاور همواره به کسب علم و دانش گرایش داشته‌اند. مستندات تاریخی چندان در متن دیده نشد، زیرا هدف اصلی مؤلف، احیای نام ملوک و سرآمدان ولایت سیستان بدون در نظر گرفتن و رعایت سیر تاریخی منطقه است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان استخراج شده است. آقای دکتر داریوش کاظمی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سمیرا سام‌زاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمد حجت به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Alavizadeh, Farzaneh and others. (2010). "The role of Shahnameh verses in the textual coherence of Jahangasha's history", *Literary Essays*, Winter, No. 171.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1977). "Good Poetry", *School of Poetry*, No. 7, pp. 125-126.
- Bozworth, Edmund. (1969). "Poetical evidence in Masoudi's history", *Farhangistan letter*, translation of Masoudi (1) 7, (series 25), pp. 158-180.
- Grace, William Joseph. (1988). *Literature and its reflection*, translated by Behrouz Azab Daftari, Tabriz: Nima.
- Kashani, Abdullah bin Ali. (2005). *History of Oljaito*, corrected by: Hambali M., second edition, Tehran: Scientific and Cultural.
- Masbouq, Seyyed Mehdi and Delshad, Shahram. (2017). "A comparative study of the functions of poetry in Beyhaqi and Fakhri history", *Poetry Studies Magazine* (Bostan Adab), Shiraz University, (1) 10, pp. 175-192.
- Natel Khanleri, Parviz. (1988). *The weight of Persian poetry*, second edition, Tehran: Toos.
- Nezami Arooz. (1986). *Chahar maqale*, corrected by Mohammad Qazvini, description and explanation by Mohammad Moein, reprinted, Tehran: Diba.
- Safa, Zabihullah. (2014). *History of literature in Iran*, vol. 2 and 3, part 2, 8th edition, Tehran: Ferdous.
- Samini. Naghme. (2000). *Love and Magic (Research on One Thousand and One Nights)*. Tehran: Nahr-e-Karzan.
- Shafiei Kodkani, Mohammad Reza. (2000). *The language of poetry in Sufiya's prose*, Tehran: Sokhan.
- Shafiei Kodkani, Mohammad Reza. (2009). *Periods of Persian poetry*, Tehran: Sokhan.
- Shamisa, Siroos. (2014). *Poetry stylistics*, 6th edition, Tehran: Mitra.
- Shamisa, Siroos. (2014). *Prose stylistics*, third edition, Tehran: Mitra.
- Sistani, Malek Shah Hossein. (2004). *Revival of Kings, History of Sistan until the Safavid Era*, 2nd edition, Tehran: Scientific and Cultural.
- Tamimdari, Ahmad. (2000). *History of Persian literature*. Tehran: Al-Hadi International Publishing.
- Zarin Koob, Abdul Hossein. (2000). *Lieless Poetry, Unmasked Poetry*, 8th edition, Tehran: Elmi.

فهرست منابع فارسی

- بازورث، ادموند (۱۳۴۸). «شواهد شعری در تاریخ مسعودی»، نامه فرهنگستان، ترجمه مسعودی (۱)، ۷، (پیاپی ۲۵)، صص ۱۵۸-۱۸۰.
- بهار، محمدتقی (۱۳۵۶). «شعر خوب»، دانشکده شعر، شماره ۷، صص ۱۲۵-۱۲۶.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۷۹) *تاریخ ادب پارسی*. تهران: نشر بین‌المللی الهدی.
- ثمینی، نغمه. (۱۳۷۹) *عشق و شعبده (پژوهشی در هزارویک شب)*. تهران: نشر مرکز.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). *شعر بی دروغ، شعر بی نقاب*، چاپ هشتم، تهران: علمی.
- سیستانی، ملک شاه حسین (۱۳۸۳) *احیاءالملوک، تاریخ سیستان تا عصر صفوی*، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۹). زبان شعر در نثر صوفیه، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.

شمیسا، سیروس، (۱۳۹۳). سبک‌شناسی شعر، چاپ ششم، تهران: میترا.

شمیسا، سیروس، (۱۳۹۳). سبک‌شناسی نثر، چاپ سوم، تهران: میترا.

صفا ذبیح‌الله، (۱۳۹۳). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲ و ۳، بخش دوم، چاپ هشتم، تهران: فردوس.

علوی‌زاده، فرزانه و دیگران، (۱۳۸۹). «نقش ابیات شاهنامه در انسجام متنی تاریخ جهانگشا»، جستارهای ادبی، زمستان، شماره ۱۷۱.

کاشانی، عبدالله‌بن علی، (۱۳۸۴). تاریخ اولجایتو، مصحح: همبلی م، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

گریس، ویلیام جوزف، (۱۳۶۷). ادبیات و بازتاب آن، ترجمه بهروز عزب دفتری، تبریز: نیما.

مسیبوق، سیدمهدی و دلشاد، شهرام، (۱۳۹۷) «بررسی تطبیقی کارکردهای شعر در تاریخ بیهقی و تاریخ فخری»، مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، (۱) ۱۰، صص ۱۷۵-۱۹۲.

ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۶۷). وزن شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: توس.

نظامی عروضی، (۱۳۷۵). چهار مقاله، تصحیح محمد قزوینی، شرح و توضیح محمد معین، چاپ مکرر، تهران: دیبا.

معرفی نویسندگان

سمیرا سام‌زاده: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: samirasam8@gmail.com)

داریوش کاظمی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

(Email: d_kazemi@iauk.ac.ir)

محمد حجت: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (Email: m.hodjat@iauk.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Samira Samzadeh: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: samirasam8@gmail.com)

Dariush Kazemi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: d_kazemi@iauk.ac.ir : Responsible author)

Mohammad Hojjat: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: m.hodjat@iauk.ac.ir)